

اعجوبه قرن

مجموعه مقالات برگزیده همایش ملی

بہلول شگفتی روزگار

بہ کوشش:

سید محمد طالبیان

رویاری بهلول با عناصر فرهنگی رضاشاه

دکتر هادی وکیلی

زهرة راضی (Zuhreh.razy@gmail.com)

چکیده

رضاشاه پهلوی در سایه‌ی نیروی نظامی خویش توانسته بود بر کشور ایران به طور کامل مسلط شود و به زعم خود دست به اصلاحات و اقدامات نوسازی و غرب‌گرایانه بزند بخشی از این اقدامات در قلمرو فرهنگ بود. رضاشاه با ادعای اصلاح فرهنگی دست به تهاجم فرهنگ ملی و نهادهای آن همچون لباس ملی زد و سپس با فرهنگ دینی و اسلامی مردم هم که همسویا فرهنگ ملی آنان بود درگیر شد و نهایتاً گرایش به غربی کردن آن هم سطحی - فرهنگ در ایران داشت، این سیاست فرهنگی البته مورد اعتراض شمار زیادی از مردم قرار گرفت. از جمله افرادی که با این اقدامات فرهنگی به مبارزه برخاست شیخ محمد تقی گنابادی معروف به بهلول بود که اوج مبارزه‌ی فرهنگی او را در قیام مسجد گوهرشاد شاهد هستیم. این پژوهش در نظر دارد اقدامات و نقش مبارزاتی بهلول را علیه سیاستها و عناصر فرهنگی که رضاشاه در راستای تمدن و تجدد غربی در ایران قصد اجرای آن را داشت برشمارد و شیوه‌های مبارزاتی او را نشان دهد. این نوشتار به روش تحقیق تاریخی از نوع کتابخانه‌ای تهیه شده است.

کلید واژگان:

ایران، پهلوی، رضاشاه، اصلاحات فرهنگی، مبارزه، بهلول.

اصلاحات فرهنگی رضاشاه در مبارزه بادین

رضاشاه پهلوی و امان الله خان شاه افغانستان و مصطفی کمال پاشادشاه ترکیه در کشور انگلستان باهم عهد بستند که کشورهای خود را به صورت کشورهای اروپایی در آورند در این راستا حجاب و دین و روحانیت را از مملکت خود بردارند و زنا و شراب و باقی محرمات دینی را رواج دهند و به گفته‌ی بهلول این سه مملکت را کاملاً به طرف دهریت بکشاند (بهلول، ۱۳۶۹: ۲۱؛ قاضی، ۱۳۸۷: ۱۴). در سال ۱۳۰۷ حجاب زدایی زیر عنوان رفع حجاب آزاد گذاشته شد (سیناواحد، ۱۳۶۱: ۳۵). نخست وزیر، با تشکیل مجلس عصرائه در یکی از باشگاههای تهران اعضای کابینه و مقامات بلند پایه را ملزم ساخت تا با همسران بدون حجاب خود در آن مراسم شرکت کنند بدین ترتیب پوشش لباس به شیوه‌ی اروپایی و رفت و آمد زنان بی حجاب در معابر عمومی رواج می‌یابد (امینی، ۱۳۸۲: ۱۹۸؛ اوری، ۱۳۷۱-۷۰) به طوری که حتی در حرم مطهر به خدمه و پاسداران دستور داده می‌شود که چادر و چارقد از سرزنها بکشند از این طریق جامعه را به اسارت می‌کشیدند و یک فرهنگ عظیم و غنی را متلاشی می‌کردند (سیناواحد، ۱۳۶۱: ۳۵-۳۶). و مجبور کردند مرد و زن را که لباس فرنگی بپوشند (مقدم، ۱۳۸۴: ۱۰۰).

در جشن شیراز که گرداننده‌ی آن علی اصغر حکمت بود به سال ۱۳۱۳ پس از ایراد سخنانی‌ها و نمایش درخشان دختران بر روی صحنه حاضر می‌شوند و نقاب از چهره برمی‌دارند و می‌رقصند و پای کوبی می‌کنند در این زمان عده‌ای بنابه اعتراض مجلس را ترک می‌کنند؛ فردای آن روز مردم اجتماع می‌کنند (مکی، ۱۳۷۴: ۱۳۷/۶؛ سیناواحد، ۱۳۶۱: ۳۸) حسام الدین فاللی به منبر می‌رود و اعتراض می‌کند مامورین رژیم اورامی گیرند و زندانی می‌کنند در تبریز و مرجع است الله ابوالحسن انگجی است الله میرزا صادق آقابه خاطر اعتراض دستگیر می‌شوند جشن شیراز و گرفتاری فاللی و دو عنمای تبریز از عوامل مهم اعتراض بهلول به رژیم رضاشاه می‌شود (مکی، ۱۳۷۴: ۱۳۸/۶). در ارتباط با جشن شیراز

جشن دیگری در میدان جلالیه سازمان دهی می شود و موضوع کشف حجاب بیان می شود (سیناواحد، ۱۳۶۱: ۳۸) علی اصغر حکمت در ۱۳ فروردین ۱۳۱۴ در مشهد در دبیرستان فردوسی که رضاشاه در آن شرکت کرده به والی خراسان دستور می دهد در مراسم استقبال از رضاشاه، دختران بی حجاب شرکت کنند (بصیرت منش، ۱۳۷۶: ۴۵۳). دولت با صدور اعلامیه تلاش می کند تا مردم را برای آموزش آموزگاران زن بی حجاب در مدارس آماده کند در خرداد ۱۳۱۴ یک مرکز فرهنگی زنان باریاست شمس بهلوی تأسیس می گردد و دختران بالباس ورزش رژه می روند (امینی، ۱۳۸۲: ۱۹۸).

از دیگر اصلاحات فرهنگی رضاشاه علیه دین به سرگذشتن کلاه بهلوی بود که توسط رضاشاه اجباری می شود (اوری: ۷۱/۲-۷۰؛ سیناواحد، ۱۳۶۱: ۳۲) رضاشاه در پی از بین بردن ویژگی ملی ایرانیان و سستهای اجتماعی آنان بود و در پی غرب زده شدن ایران بود. (سیناواحد، ۱۳۶۱: ۳۲) شش ماه قبل از نوروز اعلام کردند هر کس تا صبح نوروز کلاه بهلوی و کت و شلوار نباشد پنجاه ریال جریمه و پنجاه ضربه شلاق و دو ماه زندان می افتد اما مردم اعتنا نکردند و صبح نوروز کسی لباس بهلوی نپوشید (وحید دامغانی، ۱۳۷۲: ۲۲۴) از عوامل دیگری که بهلول به شدت به مبارزه بان برخاست و از عوامل قیام گوهرشاد بود تبدیل کلاه بهلوی به کلاه شاپو و اجباری شدن استعمال کلاه شاپو بود (مکی، ۱۳۷۴: ۲۲۷/۶؛ سیناواحد، ۱۳۶۱: ۴۰؛ امینی، ۱۳۸۲: ۱۹۷؛ مقدم، ۱۳۸۴: ۷۸).

در مشهد پاکروان مردم رایه زور کلاه شاپو می پوشاند این امر موجب خشم و نفرت مردم و عامل قیام گوهرشاد شد (امینی، ۱۳۸۲: ۱۹۷؛ بصیرت منش، ۱۳۷۶: ۲۵۴) مردم با این امر با بی میلی برخورد می کردند کارمندان را وادار می کردند که کلاه شاپو به سر بگذارند (سیناواحد، ۱۳۶۱: ۴۰) اختلاط مدارس ابتدایی از پسر و دختر در این زمان باب می شود و پسرها ملزم می شوند در مدرسه شلوار کوتاه به بپا کنند، نهضت پاکسازی زبان فارسی توسط کسروی رهبری می شود حملات علیه زبان عربی - زبان قرآن و زبان دینی و فرهنگ ادبی و ملی آغاز می شود (همان: ۳۳). فروش علنی مشروبات، درج مطالب خلاف دیانت در جراید و

جسارت و گسترش فواحش رواج می‌یابد (بصیرت منش، ۱۳۷۶: ۱۴۶) ناسیونالیسم رضاشاه به شدت ضد مذهب بود برای مقابله با مذهب در میان مردم به باستان ستایی و احیای ادب و سنن پیش از اسلام پرداخت و با خوار شمردن بسیاری از ارزشهای مذهبی و ملی به مخالفت با توده‌های مردم برخاست (بصیرت منش، ۱۳۷۶: ۴۱). رضاشاه قصد داشت عقب ماندگی ایران از غرب را با مسانفی چون تغییر ظاهر زندگی، تغییر نوع پوشش مردان و زنان، رواج مندهای جدید و وسائل زندگی نو، ایجاد کلوبها و باشگاهها و برگزاری مهمانی‌های مختلط همراه با رقص و موسیقی، برپایی کاروانهای شادی در خیابانها پر کنند (همان: ۴۹) در مدارس جدید محتوای کتب درسی ملی‌گرایی و شاه پرستی و تجدید گرایسی محورهای اصلی و اساسی بودند (همان: ۷۴) نفی تاریخ قمری و رسمی شدن تاریخ هجری که نشانه‌ی تهاجم وسیع و گسترده علیه فرهنگ اسلامی بود. (سینا واحد، ۱۳۶۱: ۳۱) پلیسها و مأمورین دولتی به مردم اعلام کردند «نه تنهاموضوع کلاه شاپو و حجاب در میان است بلکه بعد از انجام این اوامر کلیه‌ی مسجدهای شما محل سینما و تئاتر و سیرک و موسسات فحشا و منکر خواهد شد هرچه قرآن و کتب مذهبی است آنها را آتش خواهند زد و خواهند سوخت گلدسته‌های مساجد و معابد شما مرکز نصب ناقوس خواهد شد و به جای اذان، ناقوس خواهید شنید» (کوهستانی نژاد، ۱۳۷۵: ۵۵). اینها از دلایل اصلی اعتراض بهلول به رژیم حکومتی رضاشاه و عوامل اصلی قیام مشهد به شمار می‌آید.

اصلاحات فرهنگی رضاشاه در مبارزه با علما

به فاصله‌ی سالهای ۱۳۰۵ تا ۱۳۱۴ روحانیت در معرض شدیدترین توهین‌ها و یورش‌های تبلیغاتی قرار گرفتند در این راستا شاه اعلامیه صادرمی کند و در زمانهای پیش که علما و آخوندها به عنوان امر به معروف و نهی از منکر مزاحم مردم می‌شدند، دولت ایران ضعیف بود و قدرت اجرایی هرکاری را نداشت امروز دولت کاملاً قوی و بر اوضاع کشور

مسلط است هر کاری که مفید و صلاح مملکت باشد خود حکومت اجرایی کند و هر کاری که باعث فساد و خلاف مصالح مملکت باشد از آن جلوگیری خواهد کرد لهذا علما و آخوندها بعد از این حق ندارند به عنوان امریه معروف و نهی از منکر مزاحم مردم شوند و اگر شدند طبق قانون تعقیب و مجازات خواهند شده بهلول اینگونه تعریف می‌کند که باتلگراف شاه به علمامینی برزاندی علما و روحانیون در کار خود، آنها آرام شدند ولی بهلول عقیده داشت که علمای باید به شاه می‌گفتند این تلگرافهای خصوصی نتیجه ندارد و باید به اعلامیه‌ی رسمی اعلان سابق، منسوخ و باطل کنی. (بهلول، ۱۳۶۹: ۷-۸؛ وحید دامغانی، ۱۳۷۳: ۲۱۹؛ موسوی مطلق، ۱۳۸۳: ۲۱) همچنین رضاشاه دستور داد روحانیون حق ندارند عمامه به سر بگذارند مگر با صدور جواز از وزارت معارف و داشتن معرفی نامه از دو مرجع قابل قبول حکومت (مکی، ۱۳۷۴: ۶/۲۸۰؛ سینا واحد، ۱۳۶۱: ۳۶؛ فردوست، ۱۳۶۹: ۶۹/۱-۶۸؛ بهنود، ۱۳۶۹: ۱۳۹؛ قائمی، ۱۳۸۷: ۱۴۰؛ مقدم، ۱۳۸۴: ۸۰) بنابراین اگر کسی با عبا و عمامه بیرون می‌آمد عمامه را از سرش برمی‌داشتند و به گردنشان می‌انداختند و توهین می‌کردند فردوست اینگونه بیان می‌کند که روزی همسایه مان سید محمود اشتباه کرد و با عمامه به کوچه رفت ناگهان یک پاسبان عمامه‌اش را برمی‌دارد و به گردنش می‌اندازد و او را کشان کشان تادر خانه می‌برد «در مشهد یک روحانی به نام بهلول به شدت با این اقدامات رضاخان مخالفت می‌کرد». (فردوست، ۱۳۶۹: ۶۹/۱-۶۸) شایعه‌ای پخش کرده بودند که «آخوندها را می‌خواهند بریزند توی دریا» برای از بین بردن روحانیون و اینکه جامعه‌ی ایرانی امروز نیازی به آخوند ندارد (سینا واحد، ۱۳۶۱: ۴۷) کلاتری‌ها به کار افتادند و ریش‌های طنجه‌ها را در همانجا تراشیدند و پاسبانان باقیچی دامن عبا و لباده‌ی آنان را می‌چیلند و کوتاه می‌کردند (بهنود، ۱۳۶۹: ۱۳۹؛ مقدم، ۱۳۸۴: ۸۳) از این طبله‌ها دوبار در ساز امتحان می‌گرفتند یکبار برای لباس و یکبار برای معافیت نظام وظیفه (سینا واحد، ۱۳۶۱: ۵۲). رضاشاه برای از بین بردن قدرت روحانیون به تشکیل محاکم جدید عدلیه، تاسیس سازمان ثبت اسناد باقانون جدید، تعطیل مکتب خانه‌ها و ایجاد بستانها و دبیرستانهای نوبنیاد، تصرف در اوقاف،

گذاردن قانون متحد الشكل کردن لباس و جلوگیری از کارمدارس علمیه پرداخت (بهنود، ۱۳۶۹: ۱۳۱) از مجالس روضه خوانی، سوگواری، ترحیم و نماز جماعت ممانعت به عمل می آمد (سیناواحد، ۱۳۶۱: ۱۵۲؛ بصیرت منش، ۱۳۷۶: ۱۱۴) چنین به نظر می آید که رضاشاه پی برده بود که تنها کسانی که قدرت دارند که با اصلاحات او به مبارزه برخیزند، روحانیون بودند به همین خاطر او تلاش کرد با از بین بردن قدرت روحانیون تنها سلاح مبارزاتی علیه خود را نابود کند

شکل مبارزه‌ی فرهنگی بهلول بارضاشاه

شیخ محمد تقی بهلول اصلاً از مردم گناباد بود یک قرن عمر داشت و همیشه در سفر بود در زمان رضاشاه به مبارزه با عناصر فرهنگی او پرداخت و در کار مبارزاتی خود بسیار مصمم بود. زمانی که بهلول به کربلا رفت نزد حضرت ایت الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی شرفیاب شد و ابراز داشت که من از شما تقلید می کنم ایشان به بهلول فرمودند: به فتوای من درس خارج خواندن و کوشش برای اجتهاد بر تو حرام است و منبر رفتن و بر خلاف مقرراتی که رضاشاه پهلوی در ایران برخلاف قرآن اجرامی کند سخن گفتن واجب عینی است مجتهد بسیار داریم و منبری که بفهمد چه بگوید بانقوی و متدین هم باشد کم داریم و تا زمانی که تو مجتهد شوی رضاشاه مسلمانی در ایران نخواهد گذاشت که از تو تقلید کند (بهلول، ۱۳۶۹: ۳۹-۳۸؛ وجد دامغانی، ۱۳۷۳: ۲۳۵؛ موسوی مطلق، ۱۳۷۹: ۴۲) «دریاب جنگ و خونریزی باید ابتدا جنگ از طرف شما نباشد شما حق ندارید زنی را بزنید و بگویید چرا بی حجاب و اهل شراب هستی» یا مردی را اذیت کنید که چرا ریش می تراشی و یا فلان کار منکر می کنی؟ شما باید به ملایمت مردم را به نماز و روزه و زکات و حج و باقی واجبات دینی امر کنید و از شراب و قمار و زنا و رشوه و دزدی و خیانت و دروغ و غیبت و فکل و کروات بستن و با اشخاص هرزه نشستن و باقی محرمات و مکروهات نهی کنید اگر

دولت پهلوی از این تبلیغات شما جلوگیری کرد و کار به جنگ و خونریزی کشید دولت مسئول است نه شما، و هر کس که به طرفداری شما کشته شود شهید است ولی حتی الامکان سعی کنید که با جنگ سرد بردشمن غالب شوید و کاریه جنگ گرم نرسد موقت شما را از خداوند می‌خواهم» (پهلوی، ۱۳۶۹: ۳۹-۳۸؛ وحید دامغانی، ۱۳۷۳: ۲۳۶) پهلوی بعد از برگشت از نجف و کربلا عملاً مبارزه‌ی خود را علیه رژیم آغاز کرد هر چند قبل از آن نیز سخنرانی‌های نندی علیه رژیم داشت (موسوی مطلق، ۱۳۷۹: ۴۴). اولین کار بعد از مراجعت از نجف طلاق همسرش بود چرا که می‌ترسید حکومت مزاحم همسرش شود و فکورش را مشغول کند بنابراین بعد از طلاق او، برایش شوهری یافت و از این بابت خیالش راحت شد زیرا به گفته‌ی پهلوی اقصداً تا آخرین لحظه در مقابل دولت مقاومت کنم و به کارهای انقلابی پردازم» (پهلوی، ۱۳۶۹: ۴۴-۴۳؛ موسوی مطلق، ۱۳۷۹: ۴۴) پهلوی در مقابل رژیم بر روی منبر اینگونه اعلام می‌داشت که: «این پرده‌ها را دست قوی مسیحیت در مقابل اسلام به نمایش گذاشته نقشه‌ی شوم محو اسلام، قرآن و ملیت است که با دقت تهیه شده که در کلیه‌ی ممالک اسلامی یکی بعد از دیگری اجرامی شود اول از ترکیه بعد از ایران و بعد اعراق عرب و افغان (کوهستانی نژاد، ۱۳۷۵: ۳۴) «منتظر بودم اگر دولت به یک مرجع حمله کند به یاری اوبشتابم» (موسوی مطلق، ۱۳۷۹: ۵۲) «در منبرها تاجایی که می‌توانستم و می‌دانستم که به زد و خورد نمی‌رسد از اجرائات خلاف شرع دولت و مامورینش بدگویی و انتقاد می‌کردم ولی برای مخاصمه و زد و خورد راضی نبودم» (پهلوی، ۱۳۶۹: ۱۹) اگر واقعه‌ی مسجد گوهرشاد پیش نمی‌آمد با مسافرت‌های خودم و اعمال نفوذ دست به قیام رسمی می‌زدم و بر دشمن غالب شد و انقلاب بنده مانند انقلاب عصر حاضر صد درصد کامیاب می‌شد (همان: ۴۸) شکل مبارزاتی پهلوی چنانکه مرجع تقلید او به پهلوی خاطر نشان کرده بود از طریق سخنرانی و بر روی منبر رفتن بوده است.

مبارزه‌ی فرهنگی بهلول در شهرهای مختلف

بهلول در راه برگشت از کربلا برای مردم شهرهای بین راه منبر می‌رفت و سخنرانی می‌کرد؛ در اصفهان در راه برگشت از کربلا سخنرانی کرد شهربانی او را دستگیر کرد ولی به دلیل اعتراضات مردم ازاد شد (بهلول، ۱۳۶۹: ۴۶؛ قائمی، ۱۳۸۷: ۱۷) در اصفهان در مسجد سید، مسجد حکیم، مسجد جمعه، و مسجد شاه و باقی نقاط مهم اصفهان تظاهرات پر جوشی برخلاف اجرائات دولت اجرا می‌شد مخصوصاً از عوامل اعتراض بهلول به زبان خودش تبدیل جمعه به یکشنبه، تبدیل اسمهای عربی به فارسی، سینماهای غیر مشروع، شراب فروشی‌ها، فاحشه خانه‌ها، قمارخانه‌ها، و قانون جدید ازدواج و طلاق بود شهربانی به اعتراض مردم دوباره او را آزاد کرد در نتیجه منبرهای بهلول در اصفهان و همایون شهر و نجف آباد چهل روز ادامه یافت شیراز هم مثل اصفهان، شهربانی شیراز به خاطر پافشاری شیخ جعفر محلاتی، مجتهد شیراز، از منبر بهلول جلوگیری نکرد (بهلول، ۱۳۶۹: ۴۷-۴۶) یکبار در شیراز او را دستگیر کردند ولی توانست از دست مامورین بگریزد پس از آن به یزد، کرمان، و شهرهای جنوب و غرب مانند کرمانشاه، همدان، نهاوند و تویسرکان رفت و برای مردم سخنرانی‌های تند آتشین علیه رضاه شاه انجام داد (همان، ۴۷-۴۶؛ قائمی، ۱۳۸۷: ۱۷).

بهلول در بروجرد نزد حضرت ایت الله بروجردی می‌رود در ماه مبارک رمضان به اصرار بروجردی ۱۰ روز انجا می‌ماند و بر منبر می‌رود یک روز مامورین حکومتی به محضراقای بروجردی می‌روند و تهدید می‌کنند که بهلول نباید به منبر رود اما می‌فرمایند هنوز خداوند اینقدر به شما قدرت نداده که در کار روحانیت دخالت کنید اگر زیاده روی کنید می‌گویم تهران شمارا بردارد و بعد به بهلول گفت: آنها آنقدر عرضه ندارند که بتوانند در مقابل ما بمانند بدین ترتیب بعد از اتمام منبر شهربانی قصد داشت که شب آخر بهلول را با

جله دستگیر کند ولی بهلول یک شب قبل پروچرد را ترک کرده بود (مقدم، ۱۳۸۴: ۴۷-۴۶).

اولین تجربه‌ی مبارزاتی بهلول در سیزواریه خاطر ورود امان الله خان رئیس جمهور افغانستان بود (قاسم پور، ۱۳۸۶: ۴۵) و ورود امان الله خان به سیزوار مصادف با شب اول محرم بود به خاطر ورود اوباغ ملی سیزوار این بستند و مشروبات و زنان رقصنده آماده کردند بهلول ابراز می‌کند که از این واقعه انتقد نمی‌کند بوم که باشد گرسنگی ظهر غذا نخوردم (بهلول، ۱۳۶۹: ۲۳) زن بی‌حجاب امان الله خان در شهرهای ایران عامل پیشرفت بی‌حجابی بود (همان: ۲۲) بهلول به امامان جماعت سیزوار مراجعه کرد و از آنها کمک خواست نسبت به برگزاری جشن در ماه محرم اعتراض کنند ولی آنها ترسیدند و گفتند مخالفت با دولت خود کثی است و عقلا و شرعاً ممنوع است بهلول به تنهایی جلوی باغ ملی رفت و به کارهای خلاف آنها اعتراض کرد و مردم را دور خود جمع کرد و از آنها خواست در مقابل این عمل زشت بایستند شهر داریه ناچار تسلیم شد و به خواست معترضین عمل کرد (بهلول، ۱۳۶۹: ۲۳؛ قائمی، ۱۳۸۷: ۱۵).

بهلول بعد از سیزواریه قم می‌رود تا علمای در مقابل دولت همراهی کند ولی وقتی به قم می‌رسد هیچ اثری از جنگ و خونریزی بین علمای دولت مشاهده نمی‌کند حتی مشاهده می‌کند علمای نزد دولت بسیار محترم هستند بهلول با مشاهده‌ی اوضاع به درس خود ادامه می‌دهد و گاهی اوقات برای سخنرانی به دهات اطراف قم می‌رود به طوری که بین بیست و پنج ده نفوذ پیدا می‌کند در این موقع رضاشاه دستور می‌دهد که قبرستان بزرگی که از یک طرف به حرم و از طرف دیگر به بازار منتهی می‌شود را خراب کنند و به جای آن باغ ملی بزنند شهر دار قم در این باغ نهالهای زیادی کاشت بهلول در اعتراض به این امر به همراه مردم شبانه نهالها را می‌کنند و می‌برند وقتی رئیس شهربانی فهمید این کار بهلول است خواست او را دستگیر کند ولی طرفداران او نگذاشتند (بهلول، همان: ۳۴-۳۳؛ وحید دامغانی، ۱۳۷۳: ۲۳۲؛ قائمی، ۱۳۸۷: ۱۵) سه ماه زمستان بهلول در قم و دهات قم مخفی بود و در مجالس عروسی

و مرگ شرکت می کرد به صورت ناگهانی بالای منبر می رفت و هر چه می خواست علیه شاه و ظرفدارانش می گفت و باز به محل اختفای خود بر می گشت و اینگونه می گفت که می دانم دولتی ها از ترس انقلاب عمومی جرئت دستگیر کردن مراندارند. (بهلول، همان: ۳۴-۱۳۳). بهلول با تنها سلاح تبلیغاتی آن زمان یعنی سخنرانی در جهت آگاه کردن مردم ایران تلاش می کرد و از این طریق توانسته بود در بین مردم محبوب شود.

بهلول در واقعه‌ی مسجد گوهرشاد

حاج آقا حسین قمی که مردم اورانائب امام زمان می دانستند در این زمان در مشهد بود ایشان چون دیدند مردم به خاطر کشف حجاب اجتماع کردند اینگونه فرمودند که «حاضرم بروم تهران و به رضاشاه التماس کنم کشف حجاب نکنند و از اتحاد شکل مردم منصرف شود در این راه یابم نتیجه می رسم و یا به زندان می اقمم و یا کشته می شوم» اما وقتی قمی به تهران رسید رضاشاه او را در شاه عبدالعظیم زندانی کرد زندانی کردن او یکی از علل مهم قیام گوهرشاد بود (بهلول، ۱۳۶۹: ۵۲؛ سینا و احد، ۱۳۶۱: ۱۱۶؛ بصیرت منش، ۱۳۷۶: ۴۵۶-۴۵۵؛ مقدم، ۱۳۸۴: ۱۰۷؛ امینی، ۱۳۸۲: ۱۹۶؛ موسوی مطلق، ۱۳۸۳: ۳۵). بهلول که سابقه‌ی طولانی در مبارزه با رژیم داشت در صحن گوهرشاد سخنان تند آتشین علیه دولت می زند و مردم را تحریک می کند و اینگونه اعلام می کند که «تأیید الله قمی به مشهد نیاید جنگ خاتمه نمی یابد، ما نباید نرمی از خود نشان دهیم پایمردی می کنیم و مقاومت می کنیم یا حاج حسین آقا را آزاد کرده و احکام اسلام را جاری می کنیم و یا همه کشته می شویم» (بهلول، ۱۳۶۹: ۷۰؛ بصیرت منش، ۱۳۷۶: ۴۶۵-۴۶۴؛ امینی، ۱۳۸۲: ۱۹۶؛ موسوی مطلق، ۱۳۸۳: ۳۳). سینا و احد در گفتگو با حجة الاسلام علی محمد نجات از قول بهلول اینگونه می گویند که بهلول بر منبر چنین گفت که آن روز حسین بن علی را محاصره کردند و امروز هم این حسین ها را محاصره کرده اند (منظور آقای قمی بود) باین سخنان احساسات مردم را

تحریک می‌کرد (سیناواحد، ۱۳۶۱: ۸۷) اما زمانی که در صحن می‌خواست بر منبر رود مامورین از منبر رفتن او جلوگیری کردند که با دخالت مردم بر منبر می‌رود و سخنان خود را بازگو می‌کند (بصیرت منش، ۱۳۷۶: ۴۶۰؛ موسوی مطلق، ۱۳۸۳: ۳۱؛ مقدم، ۱۳۸۴: ۱۱۲) «کتون اگر ماهر فدرایش مامورین دولت عجز و کوچکی نشان دهیم، دولت ظالم و جانی از ما دست برداشتنی نیست... جنگ حتما کار شدنی است لهذا وظیفه‌ی ما این است که کمرها را بسته و دست از جان شسته برای جهاد دینی حاضر شویم» (بهلول، ۱۳۶۹: ۶۰) البته یکی از هدف‌های بهلول در مشهد مانند بقیه‌ی شهرها این بود که دولتی‌ها را بترساند و به هدف خود برسد که چنین نشد و جنگ و خونریزی شد (همان: ۱۵۸؛ امینی، ۱۳۸۳: ۱۹۶؛ مقدم، ۱۳۸۴: ۱۱۳؛ موسوی مطلق، ۱۳۸۳: ۳۲؛ موسوی مطلق، ۱۳۷۹: ۵۷).

از عوامل دیگر قیام که بهلول به شدت علیه آن سخنرانی کرد مسئله‌ی کشف حجاب (فردوست، ۱۳۶۹: ۷۰/۱-۶۹؛ سیناواحد، ۱۳۶۱: ۱۱۸؛ موسوی مطلق، ۱۳۷۹: مقدم، ۱۳۸۴: ۱۳۷-۱۳۵) و کلاه شاپو بود استفاده از کلاه شاپورا بهلول به کفر تشبیه می‌کرد و معتقد بود مقدمه رفع حجاب است اگر مردم نمی‌خواهند اینچنین کلاهی بر سر بگذارند از صحن مسجد متفرق نشوند (کوهستانی نژاد، ۱۳۷۵: ۱۱۷-۱۱۶؛ خلیلی، ۳۶؛ قاضی، ۱۳۷۲: ۷۳؛ تغییر لباس و کشف حجاب، ۱۳۷۸: ۱۹۸-۱۹۷؛ ۵۰؛ بهنود، ۱۳۶۹: ۱۳۱-۱۳۰) اعتراض به نظام وظیفه و فشار بر روی روحانیون (سیناواحد، ۱۳۶۱: ۱۱۸؛ قاضی، ۱۳۷۲: ۹۶) و به گفته‌ی نواب احتشام رضوی همکار بهلول در قیام، ترویج فحشا و مسکرا، تشویق جامعه به استقبال از رذائل، توهین به شئون مذهبی، تحمیل مالیات‌های سنگین و وصول آن با طرز فجیع بود. (کوهستانی نژاد، ۱۳۷۵: ۲۷) در مقابل رضاخان اعلام کرد به هر قیمتی شده مسجد را بگیرد و آتش کنید (فردوست، ۱۳۶۹: ۷۰/۱-۶۹؛ بهنود، ۱۳۶۹: ۱۳۱-۱۳۰؛ موسوی مطلق، ۱۳۸۳: ۳۸؛ کوهستانی نژاد، ۱۳۷۵: ۷۲؛ مقدم، ۱۳۸۴: ۱۱۹)

تعقیب بهلول توسط رضاشاه

دولت و مطبوعات با عامل و قهرمان جلوه دادن بهلول تلاش کردند رهبری روحانیون متعهد را نادیده بگیرند و همچنین وسعت و عظمت قیام را در حد یک بلوا و حادثه پایین بیاورند. بهلول را مجهول الهویه اعلام کردند و شایع کردند عامل انگلیس است و توطئه‌ای ضد سلطنت است (سینا واحد، ۱۳۶۱: ۷۳) مامورین برای دستگیری بهلول جایزه تعیین کردند و شهربانی برای پیدا کردن او دست به کار شدند (مکی، ۱۳۷۴: ۶/۲۸۵). چنین به نظر می‌آید که دولت در نبود بهلول اوضاع را به سود خود هدایت می‌کرد و بهلول را از چشم مردم می‌انداخت و به کسی اجازه‌ی تحقیق در این مورد رانمی‌داد.

نتیجه

رضاشاه پهلوی در پی غربی کردن ایران بود این کاربرد از سفر به ترکیه تحقق می‌پذیرد در این راه تلاشهایی می‌کند که به اصطلاح خود ایران را به سمت پیشرفت هدایت کند در این راستا سعی داشت با گرفتن قدرت روحانیون و توهین به اسلام، کشف حجاب، و گذاشتن کلاه شاپو، تغییر لباس مردان و زنان و تمام عوامل فرهنگی دیگری که قصد اجرای آن را در ایران داشت در پی نابودی اسلام و فرهنگ ملی ایرانیان بود؛ بهلول در این راه به مبارزه علیه این عناصر ضد اسلام پرداخت و با منبر رفتن و سخنرانی کردن در پی آگاه کردن مردم بود ایشان با سفر به شهرهای مختلف و سخنرانی‌های آتشین علیه اصلاحات رضاشاه، به مخالفت با او پرداخت تا اینکه حادثه‌ی مسجد گوهرشاد به وقوع می‌پیوندد و در این راه افشاگری‌های بسیاری کند و این واقعه از عواملی می‌شود که سلسله‌ی پهلوی مشروعیت خود را در بین مردم از دست می‌دهد و از عوامل انقراض آن محسوب می‌شود.

کتابنامه

- امینی، داوود (۱۳۸۲): چالش‌های روحانیت با رضاشاه، تهران: نشر سپاس.
- آوری، پینر: تاریخ معاصر ایران، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، عطایی، جلد ۲.
- بصیرت منش، حمید (۱۳۷۶): علما و رژیم رضاشاه، تهران: چاپ و نشر عروج.
- بهلول، محمد تقی (۱۳۶۹): خاطرات سیاسی بهلول، تهران: موسسه امام صادق (ع).
- بهنود، مسعود (۱۳۶۹): از سید ضیاء تا بختیار، جاویدان.
- تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد (۱۳۷۸): مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
- خلیلی، محمد علی: پروش یا قیام اخیر خراسان، شرکت چاپ کتاب.
- فردوست، حسین (۱۳۶۹): ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، تهران: اطلاعات، جلد ۱.
- قاسمی‌پور، داوود (۱۳۸۶): قیام مسجد گوهرشاد به روایت اسناد، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- قاضی، نعمت‌الله (۱۳۷۲): علل حکومت رضاشاه، آثار.
- قائمی، پروین (۱۳۸۷): شگفتی روزگار، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- کوهستانی نژاد، مسعود (۱۳۷۵): واقعه خراسان، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- مقدم، کاظم (۱۳۸۴): بهلول شگفتی زمانه، قم: پیام جلال.
- مکی، حسین (۱۳۷۴): تاریخ بیست ساله‌ی ایران، تهران: علمی، جلد ۶.
- موسوی مطلق، عباس (۱۳۷۹): اعجوبه عصر بهلول قرن چهاردهم، قم: نجف.
- موسوی مطلق، عباس (۱۳۸۳): ملکوتی خاک نشین، قم: هنارس.
- واحد، سینا (۱۳۶۱): قیام گوهرشاد، سهامی چاپ خانه وزارت ارشاد اسلامی.
- وحید دامغانی، ابراهیم (۱۳۷۳): زندگی پرماجرایی بهلول، تاریخ و فرهنگ معاصر، ش ۲-۱ (بهار و تابستان ۱۳۷۳)